

این بوشهری‌های  
دوست‌داشتنی

عبدالجواد موسوی

شاعر و روزنامه‌نگار

قدیم‌ترها بوشهر را با دلبران تنگستان می‌شناختیم و آواز دلاوری‌های‌شان. بعدتر با منوچهر آتشی و اسب سفید وحشی‌اش که بی‌اعتنا به قوانین مدنی از چراغ قرمز رد می‌شد. این‌روزها اما از حماسه چندان خبری نیست و بوشهر را بیشتر با احسان عبدی‌پور می‌شناسند و مهدی طارمی و جناب خان و خیام خوان‌های باحال و دست‌افشان. هر چه هست، بوشهر برای مردم این سرزمین به‌شدت جذاب است. چیزی که ما آن را روح زندگی می‌نامیم، بیش از هر جای دیگری در بوشهر یافت می‌شود. البته بهتر است بگوییم، در جنوب تا در حق خوزستان و هرمزگان اجحاف نشود. اگر می‌بینید آبادان را برزیل می‌خوانند، فکر نکنید از سر لاف و بامزگی است. در آنجا چیزی جریان دارد که جنوب را به‌شدت شبیه آمریکای لاتین می‌کند. گرما، شور، عشق و جنونی که آن طرف‌ها موج می‌زند، شما را به‌یاد داستان‌های بورخس و مارکز می‌اندازد. هنوز هم در آن طرف‌ها داستان‌های عشقی عجیبی می‌شنوید که شما را به‌یاد افسانه‌های کهن می‌اندازد. هنوز هم کوچه‌پس کوچه‌های آنجا پُر است از مردمانی که قصه هر کدام از آن‌ها می‌تواند سوژه داستان‌ها، فیلم‌ها و شعرهای بزرگ باشد. مردمان این خطه از سرزمین ما، خون در رگ‌های‌شان با سرعت دیگری می‌چرخد و درجه حرارت‌شان همیشه بالای سی‌وهفت درجه است. متأسفانه ما جنوب را خوب نمی‌شناسیم، اما هرگاه اندک حال‌وهوایی از آن سمت‌وسوها به‌مشامان رسیده، از خود بی‌خود شده‌ایم. مثل این‌روزها که برگزاری مراسمی به‌عنوان هفته بوشهر خیلی‌ها را سر ذوق آورده است. سهم ما البته از آنچه در بوشهر می‌گذرد، خیلی نیست. چند ویدئوی دو، سه دقیقه‌ای است که نشان می‌دهد هنوز هم می‌توان زندگی را دوست داشت و از آن لذت برد. می‌گویند پشت اتفاقات فرهنگی بوشهر، احسان عبدی‌پور است. هر که هست، خدایش خبر کثیر دهد. چیزی که این وسط مهم است و امیدوارم آن‌هایی که باید توجه کنند و بفهمند خوب تلفت ماجرا بشوند، این است که اگر کار را به اهلس بسپارند چقدر ساده می‌توان دل جمع کثیری از مردم را شاد کرد و آن‌ها را به زندگی امیدوار. اتفاق عجیب و غریب و خارق‌العاده‌ای رخ نداد. نمی‌دانم تلویزیون اصلاً چنین چیزهایی را پخش می‌کند یا نه، اما می‌توانید در اینستاگرام این ویدئوها را ببینید. سروش صحت درباره فیلمش و مهریانی حرف می‌زند. احسان عبدی‌پور برای مردم قصه می‌خواند. گروه‌های موسیقی عربی ترانه‌ای از عبدالطیم حافظ را اجرا می‌کنند. بوشهری‌ها برای مردم ربا‌عیت خیام را می‌خوانند. جناب خان برای مردم از ملودی‌های نوحه‌خوانی در بوشهر حرف می‌زند و... الخ. مهم‌تر از همه اینکه، عده زیادی با شور و شوق و شغف این برنامه‌ها را دنبال می‌کنند. سالم‌تر و فرهنگی‌تر از این برنامه‌ها دیگر چه کاری می‌توان کرد؟ اگر کار را به اهلس بسپارید در شمال، خراسان، اصفهان، شیراز و در خیلی جاهای دیگر می‌توان همین قدر کار فرهنگی خوب برای ملت انجام داد و هم خدا را راضی کرد، هم خلق خدا را. حقیقت‌اش را بخواهید، من پیش از دیدن این چند ویدئوی مختصر، پاک از زمین و زمان ناامید بودم و فکر می‌کردم دیگر برای همیشه باید فاتحه فرهنگ این سرزمین را خواند. هنوز هم البته ناامیدی به تمامی از وجودم رخت‌برنیسته. حرف‌های آقای علی نصیریان را شنیده‌اید؟ ایشان که دیگر مثل ما خرابکار، نفوذی و سیاه‌ما نیست. اما ببینید درباره ابتذال چه می‌گوید. مردی با لطافت و خوش‌بینی او وقتی این چنین زبان به شکوه و گلایه می‌گشاید یعنی حتماً اتفاق بدی رخ داده و ابتذال جدی‌جدا همه شئون زندگی ما را تهدید می‌کند. استاد نصیریان افرات نمی‌کند. ابتذال همیشه و همه‌جا وجود داشته و دارد. در همه‌جای دنیا. اما در کنار آن هنر و فرهنگ جدی که دعوت به تفکر و اندیشیدن می‌کند و از زیبایی و آزادی ستایش، به‌اندازه خود مجال تجلی داشت. در سال‌های اخیر متأسفانه روزبه‌روز این مجال تنگ‌تر شده و میدان به تمامی به سردمداران و مرجوان ابتذال واگذار شده. این ابتذال متأسفانه به همه‌جا چنگ انداخته و حتی در کارهای شبه‌مذهبی، مدعی اخلاق گرایشی و دین‌مداری هم می‌توان ردپایش را دید. در چنین غوغایی اتفاقی مثل برگزاری هفته بوشهر در چشم آن‌ها که نگران هویت و تاریخ این سرزمین هستند، اتفاق بزرگی محسوب می‌شود. با همه ناامیدی‌ام امیدوارم یک شمع از این مجلس صد شمع بگیراند و به‌زودی شبیه آنچه را در بوشهر شاهد بوده‌ایم در دیگر نقاط این میهن دوست‌داشتنی و زخم‌خورده ببینیم. ای‌دو با!

۱۶  
۲۴ ساعت  
24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com  
@Hammihanonline  
https://t.me/hammihanonline  
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمدجواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست)، الهه ابراهیمی (خبر)، آرش خاموشی (عکس)، هادی حیدری (طرح و کاریکاتون)، مدیر هنری: مهدی قربانی‌نبار، حرفه‌چینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸ • لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



## خوانشی از خبررؤیت پرنده هما در طالقان

## از شکوه اسطوره تا شکفتن اراده



رضا صائمی

خبرنگار گروه فرهنگ

خبر مربوط به رؤیت دیده شدن پرنده «هما» در منطقه البرز مرکزی و در منطقه طالقان که در ایران به «همای سعادت» معروف بوده و نماد سعادت و خوشبختی است، در چند روز در میان کاربران فضای مجازی داغ شده و با خوانش‌ها و روایت‌های گوناگونی همراه شده است. از خوانش‌های نشانه‌شناسانه و اسطوره‌ای گرفته تا تحلیل‌های جامعه‌شناختی و سیاسی.

## ▼ همای سعادت کیست؟

شاید پرسش از اینکه همای کیست؟ ذهن را متوجه یکی از شخصیت‌های سریال پانخت به همین نام کند که همسر نقی معمولی بود و «ربما رامین‌فر» نقش آن را بازی کرده بود. البته نویسنده فیلمنامه هم نام این کاراکتر را از همین معنا گرفته بود. از قصه‌ای اسطوره‌ای درباره پرنده هما که به آن «همای» هم می‌گویند. مرغ استخوان‌خوار یا کرکس ریش‌دار، گونه‌ای پرنده شکاری بزرگ‌جثه از تیره بازان و راسته بازسانان است که در کوه‌های مرتفع آفریقا، جنوب اروپا و آسیا از جمله مناطقی از ایران همچون منطقه حفاظت‌شده گنوز زندگی می‌کند.

هما در تمام طول سال یک جا می‌ماند و هر فصل فقط یک یا دو تخم می‌گذارد. این پرنده مانند دیگر کرکس‌ها عمدتاً لانه‌خوار است اما عمده غذای آن را مرغ استخوان تشکیل می‌دهد. هما استخوان‌های بزرگ را از ارتفاع زیاد به روی سنگ‌ها پرتاب می‌کند تا به قطعات کوچک‌تر شکسته شود. گاهی هم از لاک‌پشت‌های کوچک زنده به همین روش تغذیه می‌کند. این پرنده تنها گونه کرکس است که رژیم غذایی آن تقریباً منحصراً (۷۰ تا ۹۰ درصد) استخوان است. هما در کوه‌های بلند جنوب اروپا، قفقاز، آفریقا، شبه‌قاره هند و تبت، زندگی و تولید مثل می‌کند. تخم‌گذاری این پرنده در میانه زمستان یا یک یا دو تخم صورت می‌گیرد که در آغاز بهار جوجه‌دار می‌شوند. هما را می‌توان در ارتفاعات و مناطق کوهستانی یافت. این جانور در ارتفاعی بین ۳۰۰ تا ۴۵۰۰ متر بالاتر از سطح دریا زیست می‌کند و بیشتر اعضای این گونه در ارتفاعی بیش از ۲۰۰۰ متر سکونت می‌کنند. هما اغلب مناطق متروک و صخره‌ای یا دره‌های مشرف به مراتع جایی که چرندگان و شکارگران آن‌ها زیست می‌کنند را کنام خود می‌کند. زیست در چنین مناطقی امکان دسترسی بالقوه جانور به اجساد جانوران شکارشده و مُردار را فراهم می‌کند.

جمعیت این گونه همچنان در حال کاهش است. تا ژوئیه ۲۰۱۴، در فهرست سرخ آی‌یوسان (IUCN) گونه‌های تهدیدشده طبقه‌بندی شد؛ با این حال، طبقه‌بندی بعدی نشان داد که این گونه در خطر انقراض قرار ندارد، در ارزیابی دوباره ما به‌عنوان یک گونه «نزدیک تهدید» تعریف شده است.

## ▼ شمایل یک اسطوره

همچنان که «ققنوس» در افسانه‌های مصر و یونان، صاحب کرامت است، «هما» در ادبیات ایران نماد سعادت است. درست بر عکس «جغد» که آن را نماد شقاوت و شومی می‌دانند که البته این بر چسب و برداشت را می‌توان مانعی در تماشای شکوه و زیبایی جغد دانست. همانطور که اشاره شد از هما یا همای در اندیشه اسطوره‌ای و ادبیات کهن فارسی به‌عنوان پرنده خوشبختی و سعادت یاد شده که نماد فرو شکوه و شگون است. چنانکه در فرهنگ دهخدا آمده: «مرغی است که او را مبارک دارند و چون پیدا شود مردم به تقال در زیر سایه او روند».

## ▼ دیدگاه کارشناسان محیط‌زیستی

فارغ از روایت‌های ادبی و اسطوره‌ای که پرنده هما را در شمایل افسانه‌ای بازتاب می‌کند، کارشناسان محیط‌زیست و جانورشناسی از واقعیت آن از

منظر علمی می‌نگرند. بر این اساس الهه موحدی، کارشناس محیط‌زیست در مصاحبه‌ای گفت: «هما، پرنده‌ای شکاری از تیره بازان و راسته بازسانان است که مانند دیگر کرکس‌ها لانه‌خوارها معمولاً از گوشت و استخوان لاشه‌های تازه تغذیه می‌کند و به‌واسطه قدرت فک‌هایش، استخوان‌های کوچک را خرد کرده و از آنها نیز تغذیه می‌کند.»

به گفته این کارشناس محیط‌زیست: «این پرنده که از نظر فاصله بین نوک دو بال، بزرگترین پرنده کشور ما محسوب می‌شود، بومی مناطق مرتفع کوهستانی آفریقا، آسیا و اروپاست و در کشور ما نیز معمولاً در مناطق کوهستانی البرز و زاگرس زندگی می‌کند. در نوک منقار این پرنده، پره‌ای بلندی است که شبیه به سبیل دیده می‌شود. این پرنده بر خلاف عقاب خیلی شکارگر نیست.» این کارشناس محیط‌زیست در رابطه با چرایی نماد خوشبختی دانستن این گونه ارزشمند، توضیح داد: «از قدیم الایام در ادبیات و پیشینه تاریخی ما به همای سعادت معروف بوده و دلیل آن هم این است که در گذشته که برخی مردگان خود را به جای خاکسپاری در بالای تپه‌ها و کوه‌ها، آسمان‌سپاری می‌کردند، پرندگان برای خوردن جسد متوفی می‌آمدند و زمانی که تمام بخش‌های عضلانی آن متوفی خورده می‌شد، استخوان‌ها باقی می‌ماند و اگر هما می‌آمد و استخوان‌ها را می‌خورد، برای مرده‌ای که هما با ظاهر جذاب و بزرگ خود برای خوردن استخوان‌ها می‌آمد، می‌گفتند که این مرده دچار سعادت شده و یک زندگی ابدی خیلی خوبی را خواهد داشت.» بر اساس سخنان کارشناس محیط‌زیستی و بر خلاف تصور عامه، «هما» معمولاً در ارتفاعی بسیار بالاتر از سطح دریا زندگی می‌کند و معمولاً لانه‌سازی در پرنگانه‌ها و صخره‌های دور از دسترس را ترجیح می‌دهد. این مورد، همچنین کاهش جمعیتی که در سال‌های اخیر تجربه کرده است باعث شده تا کمتر در دید مردم عادی قرار گیرد اما اینکه گفته می‌شود این پرنده هر چندسال یکبار دیده می‌شود، درست نیست. «هما» همیشه در کشور ما وجود دارد و در بسیاری از مناطق قابل رؤیت است.

## ▼ اسطوره یا اراده؟

واقعیت این است که رؤیت پرنده هما در طالقان ذیل همان روایت‌های اسطوره‌ای با خوانش خوشایندی مواجه شده که آن را به فال‌نیک گرفته‌اند تا آن را بشارت حال خوب بداند و به‌نشانه امید گره بزنند، اما جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان معتقدند که این واکنش‌ها اغلب از سر و سرپر نگاه اسطوره‌ای و نشانه‌شناسی تاریخی و فرهنگی نیست تا شکوه یک اسطوره را پاس بدارد، برآمده از استیصال ملتی است که به هر نماد و نشانه‌ای چنگ می‌زند تا رنج زیست‌ناش را التیام بخشد تا با امید بستن به اسطوره، استیصال خوش را تاب آورد. چنانکه دکتر محمد فاضلی، جامعه‌شناس در توتیتی نوشت: «امروز بارها با پرسش مخاطبانم در صفحات مجازی خودم روبه‌شدم: «به‌نظر شما چرا ویدئوی مشاهده پرنده هما اینقدر استقبال و پخش شده است؟» جواب خودم: «استیصال فرد ایرانی در وضع اقتصادی و اجتماعی حاضر، پاسخ‌خی درونی به تحقیر شدن در این وضعیت، امید بستن به اسطوره.»

در یک تحلیل نشانه‌شناختی که مبتنی بر رویکردهای روانکاوانه است، اسطوره‌ها، برآیند میل و آرزوها و رویاهای جمعی ماست که وقتی سرکوب می‌شوند، مدام از دل نشانه‌ها احیا می‌شوند تا به حیات پردرد ما معنا ببخشند. قطعاً این خوب است که ما هر نشانه‌ای از امید را از دل ترس و تردیدهای خود احضار کنیم تا سایه یأس را از سرزمین ذهن و ضمیر خود بزداییم، اما رستگاری را نباید در چنگ زدن به آنها ببوییم. دنیای مدرن و زیست‌جهان آن بر عقلانیت و اراده بنا شده، نه اسطوره و نشانه. شکوه حیات جمعی ما با آگاهی و اراده به‌دست می‌آید، نه چنگ‌زدن به نمادهای اسطوره‌ای. اسطوره را باید پاس داشت تا هویت تاریخی خود را در رخ آن به‌یاد آورد و از نشانه‌اش، نشاط آفرید اما امید را باید به اراده فراخواند تا بر فراز آن بتواند فر و شکوه حیات را ممکن کرد که شکوه زیستن به‌قول شاملو یعنی: «جُستَن، یافتن و آنگاه به اختیار برگزیدن و از خویش‌تَن خویش بارویی پی‌افکنند»؛ باید پذیرفت که همای سعادت هر ملتی بیش از شکوه نشانه‌ها، در شکفتن اراده‌هاست.

## چهره

## نویسنده شاخص تلویزیونی

کار در سینما را از سال ۱۳۶۳ با مشاغل‌ی مانند دستیار و برنامه‌ریز شروع کرد. الوند بعد از آن، به‌نگارش فیلمنامه پرداخت و فیلمنامه‌های «مزامح» و «برگ برنده» را نوشت. همچنین به‌همراه فرهاد توحیدی به‌عنوان نویسنده فیلمنامه در مجموعه «دایره تردید» که از کارهای تلویزیونی بود، شرکت داشت. علاوه بر نویسنده به‌عنوان طراح ایده و طرح، سرپرست نویسندگان، بازیگر و طراح نیز در سینما و تلویزیون فعالیت داشت. آثار خشایار الوند در حرفه‌ی طراح ایده و طرح، سریال‌های «گلشیفته»، «دیوار به دیوار» و «دارا و ندار» است. او در آثاری همچون سریال‌های تلویزیونی «شب‌های برره»، «پایتخت ۵» و «مرد هزار چهره» فعالیت داشته است. الوند همچنین سرپرست نویسندگان، سریال‌های «دیوار به دیوار» و «در حاشیه» بود. خشایار الوند را باید بیشتر نویسنده تلویزیون بدانیم، چرا که ۷۸ درصد آثار او تلویزیونی و ۲۲ درصد آثارش سینمایی است. امروز ۵ سال از درگذشت او در نهم اسفندماه ۹۷ می‌گذرد.



## کتابخانه

## شرحی انتقادی از فلسفه مک‌داول

کتاب «زبان، واقعیت و ارزش در فلسفه مک‌داول»، نوشته ایمان همتی در ۲۱۲ صفحه و با قیمت ۱۸۰ هزار تومان توسط نشر نری منتشر شده است. هدف این کتاب، ارائه شرحی انتقادی از فلسفه جان مک‌داول است. مک‌داول از نمایندگان اصلی فلسفه تحلیلی و پساتحلیلی است که به‌واسطه دانش گسترده‌اش از تاریخ فلسفه و شناخت آراء برخی فیلسوفان قاره‌ای همچون گادامر، توانسته میان فیلسوفان تحلیلی و سنت فلسفی، گفت‌وگوهایی بارور پدید آورد و زمینه‌ای برای طرح گفت‌وگوهای نقادانه میان جریان‌ها و سنت‌های گوناگون فلسفی فراهم کند. ایمان همتی در این کتاب می‌کوشد نشان دهد، چگونه رهیافت پساتحلیلی مک‌داول که پیامد چرخش زبانی است و به فروپاشی دوگانه واقعیت و ارزش می‌انجامد، او را با مسئله نسبی انگاری روبه‌رو می‌کند. او در گام بعد نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از رهگذر انگاره بازشناسی متقابل هگلی در پاسخ او به مسئله نسبی انگاری، تکاملی ایجاد کرد، بی‌آن‌که در معنای مورد نقد مک‌داول به نظریه‌پردازی متافیزیکی دچار شد.



زبان، واقعیت و ارزش  
در فلسفه مک‌داول  
نویسنده:  
ایمان همتی  
انتشارات: نی

## تاریخ

## سقوط خلافت بنی‌عباس



در ۹ اسفندماه سال ۶۳۶ خورشیدی مستعصم، آخرین خلیفه عباسی، در بغداد به قتل رسید و بدین ترتیب سلسله عباسیان سقوط کرد. خلافت مستعصم با یورش چنگیز خان در ایران و عراق مصادف بود و وقتی هلاک‌وخان طالقان و الموت را در اختیار گرفت، واپسین شیخ الموت را کشت و بسیاری از دژهای اسماعیلیان را ویران کرد، خلافت بغداد از اینکه دو دشمن بزرگ او - فاطمیان و اسماعیلیان - نابود شده بود، خرسند بود. مدتی بعد اما قرعه به‌نام خود خلیفه افتاد و هلاک‌وخان کسانی را نزد خلیفه در بغداد فرستاد و از او خواست که تسلیم شود و خود با وزیرش نزد او بیایند. مستعصم اما اعتنایی به این امر نکرد. در نتیجه هلاک‌وخان دستور به محاصره بغداد داد و پس از مدتی مغولان وارد شهر شدند و آن شهر را ویران کردند و بسیاری را کشتند. سرانجام خلیفه با نزدیکانش در ۲۹ بهمن‌ماه ۶۳۶ تسلیم شدند. هلاک‌وخان اما از ریختن خون خلیفه ترس داشت و به‌همین دلیل طبق برخی روایت‌ها، خلیفه را در فرش گذاشتند و او را تا حد مرگ کتک زدند تا بدون ریختن خونی، او را‌هی دیار باقی شود.